

A Study of effect of epidemic diseases on performance of financial contracts with emphasis on the principle of permanence of contract

Rahil Azar¹, Seyyed Ali Seyyed Ahmadi Sajjadi^{2*}

1. LL.M, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

2. Assistant Professor, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: August 31, 2021 ; Accepted: October 3, 2021)

Abstract

Epidemic diseases have always been one of the major threats to human health; a recent example of this type of disease is Covid-19. This disease has created many problems in various fields, especially in the economic field; Contracts, as an essential tool of economic prosperity, were no exception to the impact of this ominous event. The widespread of the Covid-19 has led governments to adopt rules and regulations in various fields. These rules, which prevent the spread of the disease, cause the implementation of contractual obligations with long delays, the impossibility of fulfilling obligations that have been limited in time, and the cancellation of the purpose in some contracts or complex implementation. Such problems have caused much controversy. On the other hand, in every legal system, there are provisions in such incidents to the aid of judges, lawyers, and business people and to prevent or resolve disputes. This research attempts to review these legal solutions based on the contract principles, especially the principle of favor contracts.

Keywords

contract, contract breach, epidemic diseases, corona-virus, the principle of permanence of contract.

* Corresponding Author, Email: Sahnadi@ut.ac.ir

بررسی تأثیر بیماری‌های واگیردار بر اجرای قراردادهای مالی با تکیه بر اصل ابقای قرارداد

راحیل آذر^۱، سید علی سیداحمدی سجادی^{۲*}

۱. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

۲. استادیار، دانشکده حقوق فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱)

چکیده

بیماری‌های واگیردار از ادوار گذشته یکی از تهدیدکننده‌های اصلی سلامت بشر بودند. مصداق اخیر این نوع بیماری‌ها بیماری کروناست. این بیماری مشکلات فراوانی را در حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه اقتصادی به وجود آورده است. قراردادهای مهم‌ترین ابزار رونق اقتصادی، نیز از تأثیر این حادثه شوم مستثنی نبوده‌اند؛ بدین صورت که شیوع با دامنه وسیع کرونا دولت‌ها را بر آن داشته مقرراتی را در زمینه‌های مختلف تصویب کنند. این مقررات، که با هدف جلوگیری از شیوع این بیماری تعیین شده، سبب اجرای با تأخیر تعهدات قراردادی، غیرممکن شدن عمل به تعهداتی که اجرای آن‌ها مقید به زمان بوده است، انتفای هدف در برخی از قراردادهای یا اجرای مشقت‌بار برخی از قراردادهای شده است. این مشکلات اختلافات زیادی را به وجود آورده است. از طرفی، در هر نظام حقوقی مقرراتی پیش‌بینی شده که در صورت بروز این قبیل حوادث به کمک دادرسان و حقوقدانان و تجار بیابند و سبب جلوگیری از بروز اختلاف یا حل اختلاف شوند. در این پژوهش سعی بر آن است تا با تکیه بر اصول حاکم بر قرارداد به‌ویژه اصل ابقای قرارداد این راهکارهای قانونی بررسی شوند.

کلیدواژگان

اصل ابقای قرارداد، بیماری‌های واگیردار، قرارداد، کرونا و ویروس، نقض قرارداد.

مقدمه

از ادوار گذشته تا کنون بیماری‌های واگیردار همواره یکی از عوامل مخاطره‌آمیز سلامت انسان بودند. این بیماری‌ها گاه به سرعت بین تعداد زیادی از افراد شیوع پیدا می‌کنند و سبب مرگ‌ومیر بالا می‌شوند. یک مصداق اخیر این نوع بیماری‌ها بیماری کرونا^۱ یا کووید ۱۹^۲ است. کرونا به عنوان یک بیماری واگیردار در سال ۲۰۱۹ - ۲۰۲۰ مشکلات فراوانی را در حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه اقتصادی به وجود آورد. اپیدمی^۳ که ابتدا از ووهان چین آغاز شد طولی نکشید که به پاندمی^۴ مبدل شد و در حال حاضر سراسر جهان را درگیر کرده است.^۵ قراردادهای به منزله مهم‌ترین ابزار گردش سرمایه و رونق اقتصادی نیز از تأثیر این حادثه شوم مستثنی نبوده‌اند. در این میان، آنچه مسلم است این است که کرونا در همه مراحل حیات قراردادهای اعم از داخلی و بین‌المللی، اثر سوء خود را گذاشته است. اما آنچه محور بحث این تحقیق است تأثیری است که کرونا به عنوان یک بیماری واگیردار جهانی بر اجرای تعهدات قراردادی گذاشته است.

بر هر قراردادی اصولی کلی حاکم است که بیشتر زمانی که قرارداد محل اختلاف می‌شود و لزوم تفسیر را ایجاد می‌کند کارایی خود را نشان می‌دهد. این اصول برگرفته از عرف، تحولات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی دولت‌ها، مذهب، اخلاق، و رویه‌های قضایی است. یکی از این اصول اصل لزوم^۶ است. بر مبنای اصل لزوم، عقد استمرار می‌یابد مادامی که دو طرف قرارداد به اقاله متوسل نشوند یا عقد به دلیل قانونی فسخ نشده باشد. از دیگر اصول حاکم بر قرارداد اصل التزام به مفاد عقد است. بر اساس این اصل، طرفین باید به تعهدات قراردادی خود عمل کنند؛ اعم از اینکه آن تعهدات از قرارداد و اراده طرفین ناشی شده باشد یا از عرف و قانون حاکم بر آن

1. corona
2. covid-19
3. epidemie
4. pandemie

۵. «همه‌گیری» معادل «اپیدمی» و «جهان‌گیری یا همه‌گیری جهانی» معادل «پاندمی» است. همه‌گیری یک بیماری میزان وقوع بیش از حد انتظار است که با مقدار مشابه در سال گذشته یا در یک دوره زمانی مشابه دیگر سنجیده می‌شود. همه‌گیری جهانی گسترش موارد ابتلا به طور ناگهانی در سراسر نقاط یک کشور یا بخشی از یک قاره یا حتی کل جهان است؛ مثل وبا، آنفلوآنزا، طاعون.

6. pacta sunt servanda

قرارداد. همچنین، فرقی نمی‌کند که آن قرارداد جایز باشد یا لازم. اصل دیگری که بر قرارداد حاکم است و محور بحث این تحقیق است اصل ابقای قرارداد^۱ است؛ اصلی که به دلیل ضرورت وجود چندین دهه است که مورد توجه قانونگذار در تصویب قوانین داخلی در اکثر نظام‌های حقوقی و همچنین اسناد بین‌المللی به‌خصوص کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین)^۲ قرار گرفته است. اصل ابقای قرارداد فیلتری بعد از اصل لزوم با هدف جلوگیری از انحلال بی‌مورد قرارداد است؛ بدین صورت که بر مبنای اصل لزوم اصل بر لزوم پابندی به عقد است. با وجود این، این اصل در مواردی مجوز انحلال یک‌طرفه عقد را به طرفین می‌دهد. محل اصلی اجرای اصل حفظ و بقای قرارداد در همین جاست؛ یعنی جایی که اصل لزوم اجازه انحلال را به طرفین می‌دهد. اینجاست که اصل ابقای قرارداد این موارد را محدود و مقید به شرایطی می‌کند و سعی در حفظ قرارداد دارد. شاید بتوان تفاوت اساسی این دو اصل را این‌گونه بیان کرد که اصل ابقای قرارداد یک فیلتر بعد از فیلتر اصل لزوم در جهت حفظ قرارداد است در جایی که حفظ آن عاقلانه و عادلانه است. یکی دیگر از این اصول اصل حسن‌نیت است. این اصل که در اکثر نظام‌های حقوقی به صورت صریح یا ضمنی پذیرفته شده از اخلاق نشئت گرفته و یکی از نقاط اتصال حقوق و اخلاق است. حسن‌نیت یکی از ابزارهای نفوذ قواعد اخلاقی در حوزه حقوق قراردادهاست. درباره معنای اصطلاحی حسن‌نیت حقوقدانان اتفاق نظر ندارند. ولی جملگی بر آن‌اند که در همه قراردادهای به‌خصوص قراردادهای تجاری بین‌المللی این اصل اخلاقی باید رعایت شود. حسن‌نیت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «حسن‌نیت به عنوان یک حالت درونی و ذهنی عبارت است از داشتن صداقت، درست‌کاری، قصد و هدف نیکو، و اعتقاد درونی فرد به صحت عمل خود از مرحله قبل از انعقاد قرارداد تا اجرای کامل قرارداد.» (زمانی و رفیعی ۱۳۹۵: ۱۴۰). هرچند این اصول با اقتدار در پی انتظام‌بخشی به حقوق قراردادها هستند، باید بدانیم یکی از خصیصه‌های اصول کلی حقوقی که سبب تمایز آن‌ها از دیگر نهادهای مشابه می‌شود خصیصه استثنایپذیر بودن این اصول است. پس، وقتی از یک اصل کلی حقوقی صحبت می‌شود منظور اعمال این قاعده به صورت مطلق نیست؛ بلکه در مواردی این اصول استثنایپذیر می‌شوند.

1. the principle of permanence of contract
2. un convention on contracts for the international sale of goods (CISG)

کرونا ویروس در حوزه قراردادهای به خصوص مرحله اجرای قرارداد تأثیر گذاشته و مشکلاتی را در این زمینه به وجود آورده است. شاید بتوان گفت اکثر قراردادهایی که اجرای آنها در این دوره بوده است دچار اختلال شده‌اند؛ بدین صورت که شیوع با دامنه وسیع کرونا دولت‌ها را بر آن داشته که مقرراتی را در زمینه‌های مختلف تصویب کنند، از جمله محدودیت یا ممنوعیت در زمینه صادرات و واردات و تعطیلی کارخانه‌ها و مشاغل و کسب‌وکارها. این مقررات، که با هدف جلوگیری از شیوع این بیماری تصویب شده‌اند، حسب مورد، سبب اجرای با تأخیر زیاد تعهدات قراردادی، غیرممکن شدن عمل به تعهدات قراردادی که اجرای آنها مقید به زمان بوده است، انتفای هدف در برخی از قراردادها مثل قرارداد اجاره، یا اجرای مشقت‌بار برخی از قراردادها شده‌اند. این قبیل مشکلات در زمینه اجرای تعهدات قراردادی سبب بروز اختلافات زیادی شده است. از طرفی، در هر نظام حقوقی به طور طبیعی مقرراتی پیش‌بینی شده است که در صورت بروز حوادثی از این قبیل به کمک دادرسان و حقوقدانان و تجار بیابند و سبب جلوگیری از بروز اختلاف یا حل اختلاف شوند. در این تحقیق سعی بر آن است تا با تکیه بر اصل ابقای قرارداد این راهکارهای قانونی بررسی شوند.

بیماری‌های واگیردار

یکی از عوامل تهدیدکننده سلامتی انسان بیماری‌های عفونی واگیردار هستند. همه‌گیری‌های برخی از این بیماری‌ها (نظیر وبا و آنفلوآنزا) در قرن‌های گذشته خسارات سنگینی بر جامعه بشری وارد کرده است. به‌رغم پیشرفت‌های شگرف علم پزشکی در زمینه پیشگیری و درمان بیماری‌های واگیر، متأسفانه، هنوز هم بیماری‌های عفونی یکی از مشکلات بهداشتی در سراسر جهان‌اند. این بیماری‌ها گاهی به سرعت بین تعداد زیادی از افراد شیوع پیدا می‌کنند و سبب مرگ‌ومیر بالا می‌شوند. بیماری‌های واگیردار را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «آن دسته از بیماری‌ها ... که عامل عفونی بیماری‌ها یا فرآورده‌های سمی آن بتواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از انسانی به انسان دیگر و یا از حشرات و حیوانات به انسان قابل انتقال باشند.» (سالاری‌مقدم و همکاران ۱۳۹۹). گستره شیوع این بیماری‌ها گاه به صورت بومی و گاه به صورت همه‌گیری جهانی است. یکی از این بیماری‌ها، که محور بحث این نوشتار است، کرونا یا کووید ۱۹ است. شیوع بیماری کرونا یا

کووید ۱۹ در سال ۲۰۱۹ - ۲۰۲۰ مشکلات فراوانی را در حوزه‌های مختلف به‌خصوص حوزه اقتصادی به وجود آورده است. اپیدمی، که ابتدا از ووهان چین آغاز شد، طولی نکشید که به پاندمی مبدل شد و در حال حاضر سراسر جهان را درگیر کرده است. این ویروس که در حال حاضر مهم‌ترین مسئله جهان است با سرعت انتقال بالا سبب مرگ و میر میلیون‌ها نفر در جهان شده است. همین موضوع سبب شده دولت‌ها مقرراتی را در زمینه کنترل آن اعمال کنند. مطابق ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری^۱ حفظ سلامت و بهداشت از دیرباز در قلمرو انحصاری صلاحیت دولت‌ها بوده است. به دیگر سخن، این امور جز امور حاکمیتی به حساب می‌آیند. به همین سبب، دولت‌ها در زمینه مقابله با کرونا دست به اقداماتی زده‌اند که این اقدامات سبب تعطیلی کارخانه‌ها، ممنوعیت ورود و خروج به کشور، بی‌کار شدن افراد شاغل، و ممنوعیت تردد در سطح شهرها شده است. این اقدامات دولت در جهت اعمال وظیفه برای جلوگیری از شیوع هر چه بیشتر این ویروس بوده است.

قرارداد، اجرا و نقض آن

مبادلات اقتصادی در جامعه بر اساس قرارداد استوار است (شیری ۱۳۹۶: ۴). قراردادهای، به مثابه مهم‌ترین عامل مؤثر در گردش سرمایه و به تبع آن رونق اقتصادی، به صورت شبکه‌ای گسترده باعث گردش ثروت و رونق تجاری و اقتصادی می‌شوند. گاهی قراردادهای در این شبکه گسترده به گونه‌ای به یکدیگر متصل‌اند که اخلال در یکی از آن‌ها می‌تواند در سایر قراردادهای مرتبط تأثیر منفی بگذارد و در نتیجه به تجارت و اقتصاد لطمه وارد آورد. بر اساس نگرش اقتصادی، قراردادهای مهم‌ترین ابزار افزایش سرمایه‌گذاری کارآمد هستند. البته این به شرطی است که قراردادهای به مرحله اجرا برسند (زمانی و رفیعی ۱۳۹۵: ۱۴۶). پس، مهم‌ترین اثر یک قرارداد برای طرفین اجرای تعهداتی است که از آن ناشی می‌شود (حسنی‌پور ۱۳۹۴: ۳). از طرفی بدیهی است از ابتدا

۱. ماده ۸: «امور حاکمیتی آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود ... ک) ارتقای بهداشت و آموزش عمومی، کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها و آفت‌های واگیر، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحران‌های عمومی.»

هدف متعاقدين از انعقاد قرارداد اجرای آن است. با وجود این، گاهی متعاقدين به دلایلی از اجرای قرارداد امتناع می‌ورزند و باعث نقض قرارداد می‌شوند. نقض در لغت به معنای «شکستن، ویران کردن، و شکستن عهد و پیمان است» (دهخدا ۱۳۷۷: ۱۳۸۳؛ عمید ۱۳۶۳: ۱۰۴۲). در بحث حاضر آنچه با نقض تناسب بیشتری دارد شکستن عهد و وفای به عهد است. نقض قرارداد به معنای امتناع طرفین قرارداد از عمل به تعهدات قراردادی (تعهدات اصلی یا فرعی) و همچنین لوازم عرفی و قانونی عقد است. در تعهدات قراردادی یا برای اجرا موعدی معین شده است که تخلف از اجرا در این موارد زمانی اتفاق می‌افتد که موعد معین سرآید و تعهد از سوی متعهد انجام نشود یا زمان مطالبه اجرا به خواست متعهدله تعیین می‌شود که پس از مطالبه او متعهد تعهدات خود را انجام نمی‌دهد یا در صورتی که زمان مشخص نشده و به خواست هیچ‌یک از طرفین نیز واگذار نشده باشد، پس از طی زمان متعارف و مناسب با موضوع، متعهد به تعهدات خود عمل نمی‌کند. همچنین، نقض قرارداد می‌تواند با اجرای بخشی از قرارداد، اجرای با تأخیر تعهدات، اجرای غیرمنطبق با قرارداد به وقوع انجامد. علاوه بر این، نقض قرارداد ممکن است به دلیل تقصیر متعهد یا به دلیل خارج از اراده متعهد رخ دهد. تقصیر طرف ناقض نیز درجات مختلفی دارد که شدیدترین درجه آن تقصیر عامدانه است. نقض قرارداد هنگامی عامدانه محسوب می‌شود که طرف ناقض با سنجش سود و زیان نقض قرارداد از اجرای تعهدات خود امتناع کند (رضایی و همکاران ۱۳۹۸: ۱۳۵).

عقود را بر اساس اثری که «زمان» در تعیین و اجرای تعهدات ناشی از آنها دارد می‌توان به دو دسته عقود فوری^۱ و مستمر^۲ تقسیم کرد. عقود فوری عقود هستند که به محض انعقاد اثر آنها محقق می‌شود و پایان می‌پذیرد. هرچند ممکن است اجرای تعهدات آنها موکول به زمانی دیگری بعد از انعقاد عقد شود. نقطه مقابل این عقود عقود مستمر هستند که آثار آنها به محض انعقاد پایان نمی‌پذیرد و پس از عقد استمرار دارد (دلآوری ۱۳۹۲: ۶۶). علاوه بر این تقسیم‌بندی، تقسیم‌بندی دیگر عقود بر اساس زمان اجرای تعهدات است که از این لحاظ به عقود موجد و حال تقسیم می‌شوند. عقود موجد عقود هستند که اجرای تعهدات آنها موکل به زمانی بعد از انعقاد

1. instantaneous contract

2. continuous contract

عقد به صورت اقساطی یا غیراقساطی می‌شود. در مقابل، عقود حال عقودی هستند که زمان اجرای آن‌ها با انعقاد آن‌ها یکی است. بنابراین، مهم‌ترین اثر قرارداد پیدایش وظیفه قانونی اجرای قرارداد است که در علم حقوق به آن تعهد نیز گفته می‌شود (کاتوزیان ۱۳۷۹: ۳۴۱) و تفاوتی هم از جهت تقسیم‌بندی بالا در انجام دادن این وظیفه قانونی نیست. این در حالی است که در رابطه با نقض قرارداد از جهت نوع قرارداد تفاوت وجود دارد؛ بدین شکل که عقود مستمر نسبت به عقود فوری و عقود موجد نسبت به عقود حال بیشتر در معرض شکنندگی و ازهم‌گسیختگی قرار می‌گیرند. در این عقود، زمان انعقاد با زمان ایجاد اثر و اجرا یکی نیست. به همین سبب، تحت تأثیر عوامل بیرونی زیادی قرار دارند و به تبع آن نقض در این قرارداد بیشتر به وقوع می‌پیوندد.

اصول حاکم بر اجرای قرارداد

اصل لزوم یکی از اصول پذیرفته‌شده بسیار مهم در اکثر نظام‌های حقوقی است. بر اساس این اصل، اعمال حقوقی لازم‌اند تا زمانی که طرفین آن‌ها را اقاله یا با مجوز قانونی فسخ نکرده‌اند. در کنار این اصل، اصول دیگری نیز وجود دارند که در راستای هم سبب استحکام نظام معاملات می‌شوند و از لحاظ ماهیت و کاربرد و هدف با این اصل متفاوت‌اند؛ از جمله اصل التزام به مفاد عقد، اصل حفظ و بقای قرارداد، اصل حسن‌نیت. بر مبنای اصل التزام به مفاد عقد مادامی که عقد پایرجاست، چه آن عقد لازم باشد چه جایز، طرفین ملزم به ایفاء تعهدات خود هستند. اصل التزام به مفاد عقد از اصل لزوم عام‌تر است. زیرا اصل التزام به مفاد عقد هم عقود لازم را در بر می‌گیرد هم عقود جایز را. اما حکم اصل لزوم فقط بر عقود لازم اعمال می‌شود و عقود جایز از سیطره این حکم خارج‌اند. علاوه بر این، این دو اصل دارای دو حکم متفاوت از هم هستند.

یکی دیگر از اصول حاکم بر اجرای قرارداد اصل ابقای قرارداد است. حفظ و بقای قرارداد به معنای نگه داشتن یک رابطه قراردادی است و هدف از آن استحکام و حمایت از قرارداد است. از این رو، از این اصل به نفع قرارداد تعبیر کرده‌اند (Keller 2008: 247). طبق این اصل، قرارداد باید تا جایی که حفظ آن عادلانه و معقول است حفظ و از فسخ آن جز در موارد محدود جلوگیری شود (وکیل‌زاده و همکاران ۱۳۹۱: ۱۶۰). اصل حفظ و بقای قرارداد بر اجرای قرارداد تمرکز دارد و به فسخ جنبه استثنایی می‌دهد و استفاده از این ضمانت اجرای خشن را محدود و مقید به اسباب و

شرایط مشخص و ویژه‌ای می‌کند. همان‌طور که اصل التزام به مفاد عقد با اصل لزوم یکی نیست و کاربرد آن‌ها متفاوت است، اصل ابقای قرارداد هم با اصل لزوم یکی نیست. اصل ابقای قرارداد فیلتری بعد از اصل لزوم جهت جلوگیری از انحلال بی‌مورد قرارداد است؛ بدین صورت که بر مبنای اصل لزوم اصل بر لزوم پابندی به عقد است. ولی این اصل در مواردی مجوز انحلال یک‌طرفه عقد را به طرفین می‌دهد. محل اصلی اجرای اصل حفظ و بقای قرارداد همین‌جاست؛ جایی که اصل لزوم اجازه انحلال را به طرفین می‌دهد. اینجاست که اصل ابقای قرارداد این موارد را محدود و مقید به شرایطی می‌کند و سعی در حفظ قرارداد دارد. اما درباره اصل حسن‌نیت باید گفت حسن‌نیت به منزله یکی از اصول پذیرفته شده در همه نظام‌های حقوقی بیشترین کاربردی که در حوزه قراردادهای دارد ناظر بر اجرای قرارداد است. درباره معنای اصطلاحی حسن‌نیت حقوقدانان اتفاق نظر ندارند. ولی جملگی بر آن‌اند که در همه قراردادهای به‌خصوص قراردادهای تجاری بین‌المللی این اصل اخلاقی باید رعایت شود. حسن‌نیت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «حسن‌نیت به عنوان یک حالت درونی و ذهنی عبارت است از داشتن صداقت، درست‌کاری، قصد و هدف نیکو، و اعتقاد درونی فرد به صحت عمل خود از مرحله قبل از انعقاد قرارداد تا اجرای کامل قرارداد.» (زمانی و رفیعی ۱۳۹۵: ۱۴۰). به موجب این اصل، در مرحله اجرای قرارداد طرفین باید در جهت اجرای هر چه بهتر تعهدات خود و تعهدات طرف مقابل نهایت همکاری ممکن را داشته باشند. به عبارتی، طرفین قرارداد نباید عملی انجام دهند که مانع اجرای قرارداد شود و این مستلزم آن است که طرفین هر کاری را که به صورت معقول جهت اجرای قرارداد لازم است انجام دهند.

تأثیر حدوث بیماری‌های واگیردار بر اجرای قرارداد

بیماری‌های عفونی واگیردار از ادوار گذشته همواره یکی از تهدیدکننده‌های اصلی سلامت انسان بودند. به باور فرانک اسنودن، بیماری‌های واگیردار تأثیر زیادی بر ابعاد اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جوامع می‌گذارند. بیماری‌های همه‌گیر نوعی از بیماری‌ها هستند که به نظر می‌رسد آینده‌ای را در برابر انسان قرار می‌دهند تا ببینیم ما واقعاً چه کسانی هستیم. این بیماری‌ها به شیوه‌ای آشکار رابطه ما با مرگ و زندگی را نشان می‌دهند؛ مناسبات انسان با محیط و مناسبات اخلاقی مردم با یکدیگر را بازتاب می‌دهند. این‌ها پیام‌های بزرگی است که سازمان بهداشت

جهانی روی آن‌ها مطالعه می‌کند. بخش اصلی آمادگی برای رویارویی با این رویدادها این است که ما در مقام انسان نیاز داریم بفهمیم که در این شرایط همه با هم هستیم؛ اینکه آنچه یک فرد را در جایی تحت تأثیر قرار می‌دهد بر همگان در همه جا اثرگذار است. بنابراین، ناچار بخشی از یک گونه هستیم و نیاز داریم در این مسیر درباره این موضوع فکر کنیم و نه درباره جدایی‌های نژادی و قومی و جایگاه اقتصادی و همانند آن (عباسی ۱۳۹۹). علاوه بر این، نیاز داریم یک‌دیگر را درک کنیم. یک مصداق وقوع این نوع بیماری‌ها کرونا و ویروس است. کرونا به مثابه بزرگ‌ترین چالش بین‌المللی بشر از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون (صالحی‌امیری ۱۳۹۹) پدیده‌ای چندبعدی است که آثار و پیامدهای آن در حوزه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و از همه مهم‌تر اقتصادی قابل رصد و رهگیری است (اسکندریان ۱۳۹۹: ۶۵). همان‌طور که اشاره شد قراردادهای به منزله مهم‌ترین ابزار سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی از تأثیر سوء این بیماری مستثنی نبوده‌اند. کرونا و ویروس در حوزه قراردادهای به‌ویژه مرحله اجرای قرارداد تأثیر گذاشته و مشکلاتی را در این زمینه به وجود آورده است. به عبارتی، اکثر قراردادهایی که اجرای آن‌ها در این دوره بوده دچار اختلال شده‌اند؛ بدین صورت که شیوع گسترده کرونا و ویروس دولت‌ها را بر آن داشته که مقرراتی را در زمینه‌های مختلف تصویب کنند، از جمله محدودیت یا ممنوعیت در زمینه صادرات و واردات و تعطیلی کارخانه‌ها و مشاغل و کسب‌وکارها. این اقدامات سبب تغییرات شدید اقتصادی شد و روابط اقتصادی بین مردم را به شدت متأثر ساخت (قنواتی ۱۳۹۹: ۱). به عبارتی، این مقررات که با هدف جلوگیری از شیوع این بیماری بنا شده‌اند حسب مورد سبب اجرای با تأخیر زیاد تعهدات قراردادی، غیرممکن شدن عمل به تعهدات قراردادی که اجرای آن‌ها مقید به زمان بوده است، انتفای هدف در برخی از قراردادهای مثل قرارداد اجاره، یا اجرای مشقت‌بار برخی از قراردادهای شده است. این قبیل مشکلات در زمینه اجرای تعهدات قراردادی به تبع شیوع این بیماری سبب بروز اختلاف‌های زیادی شده است. در هر نظام حقوقی طبیعتاً مقرراتی پیش‌بینی شده است که در صورت بروز حوادثی از این قبیل به کمک دادرسان و حقوقدانان و تجار بیاید و سبب جلوگیری از بروز اختلاف یا حل اختلاف شود.

راهکارهای قانونی در مقابل اختلالات اجرای تعهدات قراردادی با تکیه بر اصول حاکم بر اجرای قرارداد

در اکثر نظام‌های حقوقی، قانونگذار راهکارهایی در برخورد با اختلالات اجرایی قراردادها در اثر حوادث غیرمترقبه دارد که اگرچه عناوین این نهادهای حقوقی در نظام‌های حقوقی متفاوت است، در نهایت، به یک نتیجه ختم می‌شوند. این راهکارها متناسب با نوع اختلالی هستند که در اجرای قرارداد پیش می‌آید؛ بدین صورت که فرضی که در آن اجرای تعهدات قراردادی کاملاً غیرممکن شده باشد با فرضی که اجرای تعهدات قراردادی ممکن اما مشقت‌بار شده باشد متفاوت است. همچنین، این موارد از موردی که اجرا به صورت موقت غیرممکن شده متمایز شده است. در ادامه سعی بر آن است که با توجه به فروض بالا راهکارهای قانونگذار با تکیه بر اصول کلی حاکم بر اجرای قراردادها به‌ویژه اصل ابقای قرارداد بررسی شوند.

الف) تعلیق اجرای قرارداد به سبب پیش‌بینی نقض احتمالی

یکی از مباحث بسیار حائز اهمیت در حقوق قراردادها در اکثر نظام‌های حقوقی مسئله نقض قرارداد و ضمانت اجرای ناشی از آن است (رفیعی و حسینی ۱۳۹۱: ۴۲). نقض قرارداد ممکن است به دو شکل اتفاق افتد؛ یکی در موعد مقرر اجرای تعهدات که نقض واقعی نیز نامیده می‌شود و دیگری قبل از فرارسیدن موعد اجرا که به آن پیش‌بینی نقض احتمالی می‌گویند که هر یک ضمانت اجرای مخصوص به خود را در پی دارد (انصاری و بیات ۱۳۹۱: ۴۷۵). پیش‌بینی نقض بدان مفهوم است که قبل از فرارسیدن موعد اجرای تعهد متعهدله به این نتیجه برسد که متعهد به طور متعارف و معقول نمی‌تواند یا نمی‌خواهد تعهدات خود را اجرا کند. در این حالت، نظریه نقض قابل پیش‌بینی قراردادی مطرح است که به متعهدله این اجازه را می‌دهد تا با استناد به این نظریه خود را از زیر بار مسئولیت قراردادی که در آینده با نقض مواجه می‌شود رهایی بخشد و حسب مورد اقدام به تعلیق یا فسخ قرارداد کند (صفایی و عسگری ۱۳۹۴: ۸۳). تعلیق اجرای قرارداد به منزله یکی از ضمانت اجرای پیش‌بینی نقض تعهدات قراردادی در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی پذیرفته شده است. زمانی که از شرایط و اوضاع و احوال پیش‌بینی می‌شود که در آینده قرارداد نقض خواهد شد یا اینکه متعهد اعلام کند به قرارداد پایبند نخواهد بود بدیهی است

طرف مقابل حق دارد عمل به تعهدات خود را که موعد اجرای آن‌ها فرارسیده تا معلوم شدن وضعیت انجام گرفتن تعهدات طرف مقابل معلق کند. پیرامون موضوع مورد بحث، سؤال مطرح شده این است که آیا بروز بیماری‌های واگیردار می‌تواند سبب تعلیق اجرای تعهدات قراردادی شود؟ آیا به سبب بروز بیماری‌های واگیردار می‌توان نقض را پیش‌بینی کرد؟

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، به منزله یکی از اسناد مهم بین‌المللی، که مورد قبول بیشتر کشورهای است، دو ضمانت اجرای فسخ و تعلیق را برای پیش‌بینی نقض احتمالی توسط متعهدله در نظر گرفته است؛ بدین صورت که اگر از طرف متعهدله نقض اساسی قرارداد پیش‌بینی شود ضمانت اجرای آن فسخ و اگر پیش‌بینی نقض غیراساسی قرارداد صورت پذیرد قرارداد به حالت تعلیق درمی‌آید. در حقوق ایران پذیرش نظریه «نقض قابل پیش‌بینی» با دشواری همراه است؛ با این وجود، مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون تجارت را می‌توان مصداق این نظریه دانست؛ این در حالی است که اگر پیش‌بینی نقض احتمالی در یک سیستم حقوقی پذیرفته شود باید در مواردی، مثل جایی که تعهد ناشی از قرارداد مقید به زمان است، رأی به فسخ قرارداد داد. مطابق بند ۱ ماده ۷۱^۱ چنانچه معلوم شود متعهد بخش اساسی تعهدات خود را به علل مصرح در شقوق «الف» و «ب» ماده ۲ انجام نخواهد داد، متعهدله می‌تواند تعهدات متقابل خود را، که موعد اجرای آن‌ها فرارسیده، معلق کند. مطابق قسمت «الف» بند ۱ ماده، نقصان فاحش در توانایی متعهد می‌تواند ناشی از عواملی خارج از اراده متعهد باشد؛ مثل جنگ، بلایای طبیعی، موانعی از قبیل تحریم‌ها، یا موانع شخصی (شعاریان ۱۳۹۳: ۸۱۹). اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ماده ۴-۳-۷^۲ به پیش‌بینی نقض اشاره و ضمانت اجرای آن را تعلیق اجرای تعهدات از طرف متعهدله مقرر کرده است. اگرچه این

۱. «۲. چنانچه قصور یکی از طرفین در اجرای تعهدات نسبت به هر یک از اقساط دلایل قانع‌کننده‌ای در اختیار طرف دیگر قرار دهد که نسبت به اقساط آتی نیز نقض اساسی قرارداد صورت خواهد گرفت، طرف اخیر حق دارد قرارداد را نسبت به آینده باطل اعلام نماید؛ مشروط بر اینکه ظرف مدت متعارفی اقدام به چنین امری کند.»
۲. «الف» نقصان فاحش در توانایی یا اعتبار مالی متعهد برای ایفای قرارداد؛ (ب) نحوه رفتار متعهد در تمهید و تدارک ایفای قرارداد یا اجرای آن»

۳. ماده ۴-۳-۷: «طرفی که به طور معقول و متعارف اعتقاد دارد که طرف مقابل مرتکب عدم اجرای اساسی قرارداد خواهد شد می‌تواند تقاضای تضمین کافی برای انجام به‌موقع نماید و در این مدت از انجام تعهدش امتناع نماید.»

ماده نیز مانند ماده ۷۱ کنوانسیون ضمانت اجرای تعلیق تعهدات متعهدله را در صورت پیش‌بینی نقض مقرر کرده، شرایط اعمال آن با کنوانسیون متفاوت است. تفاوت اساسی که در این زمینه وجود دارد این است که این اصول تعلیق تعهدات را مقید به پیش‌بینی نقض اساسی کرده است و در صورتی که پیش‌بینی نقض از طرف متعهدله اساسی نباشد ضمانت اجرایی ندارد. این در حالی است که کنوانسیون برای پیش‌بینی نقض اساسی ضمانت اجرایی فسخ را در نظر گرفته است (رفیعی و حسینی ۱۳۹۱: ۵۰). در حقوق ایران، مقرره‌ای همانند مقررات پیش‌گفته که سبب تعلیق قرارداد را بر مبنای پیش‌بینی نقض فراهم کند وجود ندارد. البته شاید بتوان این ضمانت اجرا را از بطن برخی مواد قانونی - همانند ماده ۳۸۰ قانون مدنی و ۵۳۰ و ۵۳۳ قانون تجارت^۱ - استنباط کرد. عده‌ای ماده ۳۷۷ قانون مدنی^۲ را ملاک قرار می‌دهند و بر اساس آن به تعلیق اجرای قرارداد در شرایط پیش‌بینی نقض رأی می‌دهند. به عبارتی، حق حبس و تعلیق اجرای قرارداد را یکی می‌دانند (رفیعی و حسینی ۱۳۹۱: ۵۱). این در حالی است که بند آخر این ماده مقرر می‌دارد اگر یکی از تعهدات موجب باشد و دیگری حال تعهد حال باید اجرا شود. از همین قسمت ماده می‌توان به کارکرد متفاوت این دو نهاد حقوقی پی برد. از مواردی که سبب می‌شود دو مفهوم را یکی بدانیم کارکرد یکسانی است که باید داشته باشند. نهاد حق حبس زمانی اعمال می‌شود که هر دو تعهد حال باشد و طرفین ترتیب اجرا را مشخص نکرده باشند. در حالی که تعلیق اجرا زمانی اعمال می‌شود که متعهدله نقض را از طرف متعهد پیش‌بینی کند که در این صورت می‌تواند تعهدات خود را حتی اگر حال باشند معلق کند؛ کاری که مخالف بند آخر ماده ۳۷۷ قانون مدنی است. کنوانسیون بیع بین‌المللی، به منزله یک سند حقوقی معتبر، تعلیق اجرا را در کنار حق حبس پذیرفته که نشان‌دهنده تمایز این دو نهاد حقوقی است. فقدان مقرره در این خصوص در قانون ایران نشان از ضعف نظام حقوقی ایران در این زمینه دارد. هرچند قانونگذار مبانی این نهاد حقوقی را پذیرفته است، در خصوص این ضمانت اجرا نصی مقرر نکرده است. از مبانی مهم این ضمانت اجرا قاعده

۱. ← مواد یادشده در قانون تجارت و مدنی.

۲. ماده ۳۷۷ ق.م: «هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود؛ مگر اینکه مبیع یا ثمن موجب باشد. در این صورت هر یک از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود.»

مقابله با خسارت است که قانونگذار ایران آن را در بند ۳ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی^۱ پذیرفته است. از دیگر مبانی این ضمانت اجرا اصل حفظ و بقای قرارداد است که هرچند قانونگذار نگاه مبنایی به این اصل نداشته، آن را در برخی از مواد قانونی به وضوح می‌توان دید.

بنابراین، همان‌طور که اشاره شد، شرایط و اوضاع و احوال باید به شکلی باشد که برای متعهدله این نتیجه حاصل شود که در آینده متعهد تعهد خود را نقض می‌کند. بیماری‌های واگیردار با رعایت شرط پیش‌گفته می‌تواند مصداق قسمت «الف» بند ۱ ماده ۷۱ کنوانسیون بیع بین‌المللی باشد. در خصوص کرونا ویروس به نظر می‌رسد در قراردادهایی که انعقاد آن‌ها قبل از بروز این بیماری بوده است این امکان وجود دارد که در برخی از قراردادهای متعهدله با شیوع این بیماری و به تبع آن اعمال مقررات سختگیرانه از طرف دولت‌ها برای مقابله با این ویروس به این نتیجه برسد که متعهد در آینده توانایی اجرای قرارداد را از دست می‌دهد و قرارداد وارد وادی نقض می‌شود. به همین سبب، متعهدله در این وضعیت می‌تواند تعهدات متقابل خود را به حالت تعلیق درآورد.

ب) تعدیل قرارداد به سبب نظریه دشواری اجرای قرارداد

نظریه دشواری اجرای قرارداد یا هاردشیپ یکی از مباحث بحث‌انگیز در قانون ملی و فراملی قراردادها و بیانگر وضعیتی است که اجرای تعهد قراردادی در نتیجه حوادث پیش‌بینی‌ناپذیر و خارج از کنترل، بدون اینکه به لحاظ فیزیکی غیرممکن باشد، از نظر اقتصادی مشقت‌بار و پرهزینه می‌شود و تعادل و توازن قراردادی دچار اختلال اساسی می‌شود. در چنین حالتی، نظریه دشواری برای بازگرداندن تعادل و توازن قراردادی وارد عمل می‌شود (غمامی و خدادادی ۱۳۹۴: ۶۲۳). به عبارتی، زمان تغییر می‌کند و شرایط در نتیجه بروز تغییرات اقتصادی، همانند تورم و نوسانات قیمت ارز، و حوادث غیراقتصادی، همانند جنگ و اقدامات دولت‌ها، و بلای طبیعی به کلی دگرگون می‌شود. بر این اساس، قراردادهای تجاری و اقتصادی، که بین اشخاص برای یک دوره طولانی مدت (قراردادهای مستمر) منعقد می‌شود، در مواجهه با ریسک و خطرات تغییر شرایط

۱. بند ۳ ماده ۴ مسئولیت مدنی: «وقتی که زیان دیده به نحوی از انحا موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد.»

اولیه عقد قرار دارند. بنابراین، در مواردی شرایط اولیه قرارداد در نتیجه بروز تغییر و تحولات مالی و اقتصادی به کلی دگرگون و اجرای تعهدات نخستین برای طرفین یا هر یکی از آن‌ها سنگین و مشقت‌بار می‌شود (Keller R, op.Cit , p. 265).

این موضوع، که تحت عنوان نظریه دشواری از آن یاد می‌شود، در نظام‌های حقوقی مختلف با عناوین متفاوت، چون نظریه عدم پیش‌بینی یا دشواری اجرای قرارداد یا هاردشیپ، مطرح است. با وجود این سنخیت، گرچه اکثر نظام‌های حقوقی در این زمینه که حکم به التزام به مفاد قرارداد در چنین وضعیتی ناعادلانه است متفق‌القول‌اند و در توجیه آن به مبانی مختلف استناد می‌کنند، در برخورد با این مسئله راهکار حقوقی یکسان ندارند (غمامی و خدادادی ۱۳۹۴: ۶۲۳). درباره چنین قراردادی، که به لحاظ پیش‌بینی‌ناپذیر بودن شرایط سخت پس از انعقاد اجرای آن با هزینه‌های سنگین‌تر و شرایط سخت‌تر مواجه می‌شود، چندین راه‌حل وجود دارد که از آن‌ها می‌توان به تداوم اجرای قرارداد تحت هر شرایطی، بطلان، تعلیق، انحلال خود به خود (انفساخ)، فسخ یک‌جانبه، و تعدیل آن اشاره کرد. طرفداران هر یک از این نظریه‌ها دلایل استنادی خود را دارند؛ دلایلی که گاه ذهن را به سمت پذیرش آن نظریه پیش می‌برد. همه این نظریه‌ها و دلایل استنادی آن‌ها در مطالعات قبلی بررسی و معایب و مزایای آن‌ها سنجیده شده و در نهایت نتیجه‌ای که حاصل شده و تقریباً مورد پذیرش بیشتر نظام‌های حقوقی نیز هست نظریه تعدیل قرارداد است؛ «اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی»^۱ در ماده ۲-۲-۶ به بیان تعریفی از هاردشیپ پرداخته و سپس در ماده ۳-۲-۶ پس از بیان اینکه قرارداد باید رعایت شود وظیفه تجدید مذاکره را نیز تأیید کرده است. مطابق این ماده قرارداد باید با شرایط جدید تعدیل شود.^۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در خصوص موضوع مورد بحث ساکت است و صراحتی در این خصوص ندارد (شعبانی جهرمی ۱۳۹۷: ۱۱). البته این عدم صراحت منکر این نیست که کنوانسیون به این موضوع اساسی در حوزه قراردادهای توجه نکرده است. مطابق بند ۲ ماده ۲۷ مسائلی که تحت حاکمیت کنوانسیون هستند ولی

1. UNIDROIT (Principles of International Commercial Contracts)

۲. ← مواد یادشده در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی ۲۰۱۶.

۳. بند ۲ ماده ۷: «۲. مسائل مربوط به موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون حاضر که تکلیف آن‌ها صراحتاً در این کنوانسیون تعیین نشده بر طبق اصول کلی که کنوانسیون مبتنی بر آن است و در صورت فقدان چنین اصولی بر طبق

تکلیف آن‌ها به صراحت در کنوانسیون مشخص نشده است باید طبق اصول کلی حاکم بر کنوانسیون و در صورت نبود آن‌ها طبق قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی حل و فصل شوند. یکی از این اصول کلی حاکم بر کنوانسیون اصل التزام به مفاد قرارداد است. مطابق با این اصل طرفین قرارداد باید پایبند به اجرای مفاد قرارداد باشند و به تعهدات خود عمل کنند. از دیگر اصول حاکم بر کنوانسیون اصل حفظ و بقای قرارداد است. مطابق با این اصل باید در جایی که حفظ قرارداد معقول و عادلانه است از انحلال آن جلوگیری کرد. همچنین اصول دیگری که در ارتباط با موضوع مورد بحث بر کنوانسیون حاکم است اصل حسن‌نیت و اصل معقولیت است (صفایی و همکاران ۱۳۹۲: ۳۱). در تقابل این اصول با هم در ارتباط با موضوع مورد بحث این‌گونه تحلیل می‌شود که در صورت بروز شرایط هاردشیپ در قراردادی که قانون حاکم بر آن کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا است التزام طرفین به تعهدات مطابق اصل التزام به مفاد قرارداد خلاف اصل حسن‌نیت و معقولیت است. از طرفی، با توجه به حذف نهاد حقوقی انفساخ، امکان انحلال خود به خود چنین قراردادی وجود ندارد. همچنین، اصل حفظ و بقای قرارداد اجازه فسخ چنین قراردادی را نمی‌دهد. بنابراین راه‌حل ضمنی تعسر اجرای قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی تعدیل قرارداد است؛ راه‌حلی که همه خواسته‌های کنوانسیون را پوشش می‌دهد.

تعدیل قرارداد به صراحتی که در قوانین سایر نظام‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی آمده است در قانون ایران وجود ندارد. قطعاً این عدم صراحت منکر پذیرفتن آن نخواهد بود. تعدیل قرارداد را می‌توان از بطن موادی چون ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶، ماده ۹ قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۶۲، مواد ۲۷۷ و ۶۵۲ قانون مدنی^۱ به دست آورد. همچنین، حقوق‌دانان با بیان نظریه‌ای تحت عنوان نظریه غبن حادث سعی در ارائه این راهکار حقوقی داشته‌اند. پذیرفتن این راهکار حقوقی معقول و منصفانه است و سبب تأمین عدالت معاوضی خواهد شد. علاوه بر این، مبنای این نهاد حقوقی می‌تواند قواعد فقهی لاجرح و لاضرر باشد که جزء قواعد مبنایی و مسلم

قانونی که حسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی (تعارض قوانین) قابل اعمال است حل و فصل خواهند شد.»

۱. ← مواد یادشده در قانون ر.م.م ۱۳۵۶، قانون ر.م.م ۱۳۶۲ و قانون مدنی.

قانون‌گذاری در نظام حقوقی ایران هستند. علاوه بر این، ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی^۱ و اصل ۱۶۷ قانون اساسی^۲ تکلیف موارد اجمال و سکوت قانون‌گذار را مشخص کرده است. مطابق با این مواد، مفسر قانون، اعم از دکترین یا مقام قضایی، باید در جایی که قانون مجمل و ساکت است حکم را به وسیله تفسیر درست به دست آورد. بنابراین، همان‌طور که بیان شد، عدم صراحت قانون‌گذار منکر این نخواهد بود که در شرایطی که اجرا برای متعهد مشقت‌بار شده است مقام قضایی نتواند در مقام اجرا به تعدیل قرارداد رأی دهد.

پذیرش نظریه تعدیل جامع مصالحی چون ثبات و استحکام قراردادها (رعایت اصل ابقای قرارداد)، لزوم جبران ضرر ناروا، رعایت عدالت معاوضی، و اصل حسن‌نیت و سازگاری با واقعیات تجاری و خواست طرفین در قراردادهای طولانی مدت است (غمامی و خدادادی ۱۳۹۴: ۶۴۱). این راهکار حقوقی زمانی مطرح می‌شود که شرایطی جدید بعد از انعقاد قرارداد پیش آید که اجرای قرارداد را برای متعهد قراردادی متعسر کند. درباره موضوع مورد بحث این سؤال مطرح است که آیا بیماری‌های واگیردار به‌خصوص مصداق اخیر الوقوع (کروناویروس) سبب اجرای مشقت‌بار تعهدات قراردادی شده است؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال باید معیار سنجش شرایطی را بررسی کرد که قانون‌گذار سبب تعسر اجرای قرارداد می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، نظریه دشواری قرارداد یکی از مباحث حقوقی پیچیده و دشوار است. به نظر می‌رسد دلیل این پیچیدگی، همان‌طور که برخی نویسندگان اشاره کرده‌اند، ناشی از ماهیت این مفهوم باشد. نظریه دشواری قراردادی مفهومی نسبی است؛ بدین صورت که از موردی به مورد دیگر متفاوت است. علاوه بر این، پذیرش این نظریه استثنائی بر اصل التزام به مفاد قرارداد است. به همین سبب،

۱. ماده ۳ ق.آ.د.م: «قضات دادگاه‌ها موظف‌اند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی، که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند.»

۲. اصل ۱۶۷ ق.ا: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

سخت‌گیری‌های زیادی برای تطبیق مصادیق آن با مفهوم می‌شود (فیض‌اللهی ۱۳۹۷: ۱). درباره بیماری‌های واگیردار نمی‌توان به طور عام حکم داد؛ بلکه باید به صورت موردی بحث کرد. ولی معیاری که می‌توان در مورد هر پیشامدی به عنوان عاملی برای تعسر اجرای قرارداد بررسی کرد این است که آیا آن پیشامد سبب شده است اجرای تعهد برای متعهد ممکن ولی مشقت‌بار شده باشد یا خیر؟ از آنجا که برای مطابقت مصادیق با مفهوم باید بررسی موردی شود نقش دادگاه‌ها در این موضع پررنگ‌تر می‌شود. بنابراین، در خصوص بیماری‌های واگیردار و سؤال مطرح‌شده باید این‌گونه پاسخ داد که لازم است بررسی موردی شود. به عبارتی، ممکن است یک نوع از بیماری‌های واگیردار مصداق تعسر اجرای قرارداد باشد و نوع دیگری حتی با شرایطی سخت‌تر از نوع قبل سبب تعسر اجرای قرارداد نشود. در خصوص کروناویروس، مطالعات انجام‌شده بیانگر این است که کروناویروس فی‌نفسه سبب تعسر اجرا نشده است؛ بلکه آنچه بر اجرای قراردادها تأثیر داشته تأثیر غیرمستقیم ناشی از این ویروس بوده است. دولت با هدف جلوگیری از شیوع این بیماری دست به یک سری اقدامات زده است که این اقدامات سبب تعسر اجرای تعهدات قراردادی شده است که هنوز امکان اجرای آن تعهدات برای متعهد وجود دارد (قنواتی ۱۳۹۹: ۱۳؛ نیازآبادی ۱۳۹۹: ۱۳). بنابراین، راهکار قانونی منطبق با نظریه دشواری تعدیل اجرای قرارداد است که در مورد بیماری‌های واگیرداری که سبب تعسر اجرای قرارداد می‌شود به کار گرفته می‌شود. نمونه‌ای از این بیماری‌ها کروناویروس است که سبب تعسر اجرای برخی از قراردادها شده است.

ج) انحلال و تعلیق قرارداد به سبب تعذر اجرای قرارداد

از بدو انعقاد یک قرارداد تا زمانی که اختتام یابد حیات آن تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد. این مشکل بیشتر در قراردادهای مستمر و موجدل پیش می‌آید. از آنجا که در این دسته از عقود زمان انعقاد و ایجاد آثار یا زمان انعقاد و اجرا یکی نیست این عقود تحت تأثیر عوامل بیرونی زیادی قرار دارند و بیشتر از عقود آنی در معرض شکنندگی و ازهم‌گسیختگی قرار می‌گیرند (قزلباش چمک ۱۳۹۱: ۱). یکی از این عوامل بیرونی حوادثی است که اجرا را برای متعهد غیرممکن و متعذر می‌سازد. این حوادث با لحاظ شرایطی که در قوانین کشورهای مختلف مشخص شده نه تنها سبب زوال مسئولیت قراردادی می‌شوند چه بسا سبب انحلال عقود نیز بشوند.

«فورس ماژور»، که در فارسی به «قوة قاهره» ترجمه شده است، اصطلاحی است در حقوق فرانسه که نخستین بار در قانون مدنی فرانسه به کار رفت و سپس در حقوق کشورهای دیگر با ادبیاتی متفاوت از هم معمول شد (براری چناری و جعفرچالشتری ۱۳۹۱: ۲). عدم امکان اجرای قرارداد ممکن است به دو صورت دائمی یا موقت باشد. یکی از اسنادی که تعریفی نسبتاً جامع از فورس ماژور ارائه داده «اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی» است. در ماده ۷-۱-۷ این سند در تعریف فورس ماژور آمده است عدم اجرای قرارداد در صورتی عذر محسوب می‌شود که متعهد اثبات کند عدم اجرا به دلیل مانعی خارج از کنترل او بوده و اینکه در زمان انعقاد قرارداد به طور متعارف نمی‌توانسته چنین مانعی را در نظر داشته باشد یا از آن مانع یا آثار و تبعاتش جلوگیری کند. در مورد مانع موقتی، عدم اجرا با در نظر گرفتن اثر مانع یادشده بر اجرای تعهدات برای مدت زمانی متعارف معذور خواهد بود (قنواتی ۱۳۹۹: ۶). فورس ماژور در کنوانسیون بیع بین‌المللی در ماده ۷۹^۱ مقرر شده است. این ماده، علاوه بر اینکه مفهومی از فورس ماژور ارائه می‌دهد، در مقام بیان رفع مسئولیت از متعهد است، در جایی که یک مانع دائمی سبب عدم امکان اجرا شده است. ضمانت اجرای تعذر اجرای قرارداد به واسطه مانع دائمی در اکثر نظام‌های حقوقی انحلال خود به خود قرارداد است. اما، با توجه به حذف نهاد حقوقی انفساخ از کنوانسیون، در این مورد باید قائل به ضمانت اجرای فسخ قرارداد شد. این نکته را می‌توان از بند ۵ ماده ۷۹^۲ دریافت. بنابراین ضمانت اجرای عدم امکان اجرا در جایی که اجرا به واسطه مانع دائمی متعذر شده فسخ قرارداد است. این رویکرد کنوانسیون در جهت اعمال اصل حفظ قرارداد است؛ اصلی که رعایت آن در بطن همه مواد کنوانسیون به چشم می‌خورد. اما در حقوق ایران ضمانت اجرای عدم امکان اجرا

۱. «۱. در صورتی یکی از طرفین مسئول عدم توفیق در ایفای هر یک از تعهدات خود نخواهد بود که ثابت نماید عدم توفیق وی ناشی از یک مانع خارج از اقتدار او بوده است و اینکه نمی‌توان عرفاً از وی انتظار داشت که [احتمال حدوث] آن مانع را در زمان انعقاد قرارداد ملحوظ داشته یا از آن یا آثار و عواقب آن اجتناب نموده یا آن را رفع کرده باشد.»

۲. «۵. هیچ‌یک از مندرجات این اصل مانع طرفین از اعمال هر نوع حق به جز ادعای خسارت موضوع این کنوانسیون نخواهد بود.»

به سبب وجود مانع دائمی در راه اجرا انفساخ قرارداد است. این را می‌توان از مواد ۳۸۷، ۴۸۳، ۵۲۷، ۵۵۱ قانون مدنی^۱ استنباط کرد.

به طور کلی، چه در حقوق داخلی چه در حقوق بین‌المللی، برای فورس ماژور سه شرط اصلی قابل تصور است: الف) حادثه باید اجتناب‌ناپذیر باشد. حادثه‌ای فورس ماژور است که اجتناب‌ناپذیر و دفع‌نشده باشد. در واقع اجرای تعهد با وقوع چنین حادثه‌ای غیرممکن شود؛ ب) حادثه باید پیش‌بینی‌ناپذیر باشد. حادثه‌ای فورس ماژور تلقی می‌شود که در زمان انعقاد قرارداد برای انسان قابل پیش‌بینی نباشد. زیرا اگر قابل پیش‌بینی باشد متعهد موظف است جهت جلوگیری از بروز آن تدابیر احتیاطی بیشتری اتخاذ کند؛ ج) حادثه باید خارجی باشد. حادثه‌ای فورس ماژور و قوه قاهره تلقی می‌شود که خارجی^۲ و به عبارت بهتر خارج از اراده متعهد و مسئولیت وی باشد (براری چناری و جعفرچالشتری ۱۳۹۱: ۴).

در صورتی که حادثه‌ای با شرایط یادشده رخ دهد و اجرا را برای متعهد متعذر کند، مقررات مربوط به فورس ماژور وارد عمل می‌شود. فورس ماژور در اکثر نظام‌های حقوقی سبب زوال مسئولیت قراردادی و انحلال قرارداد و در مواردی سبب تعلیق اجرای تعهدات می‌شود. در صورتی که تعذر دائمی یا موقتی باشد ولی اجرای تعهدات مقید به زمان باشد، در هر دو حالت، عقد منحل و تعهدات ناشی از آن مرتفع می‌شود. و اما در عقود که اجرای آن‌ها مقید به زمان نیست در صورتی که تعذر ایجادشده دائمی باشد ضمانت اجرای آن انحلال عقد و در صورتی که تعذر موقتی باشد ضمانت اجرای آن تعلیق تعهدات قراردادی است. در این شرایط قرارداد به حالت تعلیق درمی‌آید و پس از رفع مانع اجرای تعهدات از سر گرفته می‌شوند (براری چناری و جعفرچالشتری ۱۳۹۱: ۱).

پیرامون موضوع مورد بحث، سؤال مطرح شده این است که آیا بیماری‌های واگیردار می‌توانند از مصادیق قوه قاهره یا فورس ماژور باشند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت همان‌طور که قبلاً اشاره شد قانون‌گذار برای اینکه موردی را قوه قاهره بداند شرایطی را بیان کرده است. به عبارتی،

۱. ← مواد یادشده در قانون مدنی.

قانون‌گذار مقرر کرده هر حادثه‌ای با شرایط یادشده می‌تواند مصداق قوه قاهره باشد. ولی آیا این راهکار کلی کافی است؟ آیا پس از بررسی شرایط یادشده در هر مورد، در صورت وجود شرایط، می‌توان آن را مصادیق قوه قاهره دانست؟ به نظر می‌رسد این راهکار کلی کافی نباشد و هر حادثه‌ای باید با الگو قرار دادن شرایطی که مقنن مقرر کرده توسط دادرس بررسی شود. بنابراین، صرف وجود این شرایط سبب نمی‌شود موردی قوه قاهره باشد یا نباشد. اما در خصوص کروناویروس مطالعات صورت گرفته در این زمینه نشان از این دارد که نفس کروناویروس قوه قاهره نیست؛ بلکه اقداماتی که دولت‌ها برای جلوگیری از کرونا ایجاد کرده‌اند از مصادیق فورس مازور است (قنواتی ۱۳۹۹: ۱۳). به نظر می‌رسد باید شرایط پیش‌آمده به طور دقیق و موردی بررسی شود؛ از جهت اینکه آیا شیوع این بیماری و اقدامات دولت به تبع آن سبب تعذر موقت شده است یا تعذر دائمی؟ برای یافتن پاسخ این سؤال باید لفظ موقت تفسیر شود. به عبارتی، باید روشن شود که منظور از موقت بودن تا چه زمانی است؟ در تعهداتی که مقید به زمان هستند بحثی وجود ندارد. در این قبیل تعهدات در صورت تعذر، حتی به صورت موقت، قرارداد منحل و به تبع آن از طرفین رفع تعهد می‌شود. اما در خصوص تعهداتی که مقید به زمان نیستند منظور از موقت بودن تا چه زمانی است؟ آیا منظور این است که اگر بعد از طی زمانی طولانی امکان اجرا باشد باز هم طرفین نمی‌توانند قرارداد را منحل کنند و باید تعهدات خود را به حالت تعلیق درآورند؟ به نظر می‌رسد منظور از موقت بودن در اینجا مدت معقول و متعارف است؛ بدین صورت که اگر امکان اجرا بعد از طی مدتی متعارف امکان‌پذیر باشد، طرفین باید تعهدات خود را تعلیق کنند تا مانع اجرای قرارداد برطرف شود.

با توجه به توضیحات پیش‌گفته، به نظر می‌رسد کروناویروس و حتی اقدامات دولت‌ها مانع دائمی بر سر راه اجرای تعهدات قرارداد نیست. اقدامات دولت‌ها را می‌توان سبب تعذر موقتی اجرای قرارداد دانست. همان‌طور که بیان شد، ضمانت اجرای تعذر موقت تعلیق اجرای تعهدات است. حال اگر پس از گذشت مهلتی مناسب اجرا همچنان ناممکن بماند، می‌توان به متعهدله این اختیار را داد که قرارداد را با استناد به خیار تعذر تسلیم فسخ کند. عده‌ای از حقوق‌دانان قائل به این شده‌اند که کروناویروس و شرایط پیش‌آمده مصداق فورس مازور و سبب تعذر دائمی

قراردادهاست و بنابراین ضمانت اجرای آن انحلال قرارداد است. این در حالی است که باید بین مانع دائمی و موقت تفکیک قائل شد. زمانی می‌توانیم حادثه‌ای را سبب انحلال قرارداد بدانیم که امید به اجرای آن قرارداد به صفر مطلق برسد. بنابراین، به نظر می‌رسد شرایط به‌وجودآمده مصداق فورس ماژور از نوع موقت و ضمانت اجرای آن تعلیق تعهدات طرفین است. عده‌ای ضمانت اجرای تعذر موقتی را، تعلیق اجرای تعهدات و فسخ به استناد خیار تعذر تسلیم می‌دانند و بر این باورند که این دو ضمانت اجرا در عرض به کار گرفته می‌شود (جوهری محمدی ۱۴۰۰: ۱۸۹). این در حالی است که توجه به اصول حاکم بر قرارداد به‌خصوص اصل حسن‌نیت و اصل ابقای قرارداد، که اخیراً به ضرورت آن در همه قراردادهای، به‌خصوص در قراردادهای بین‌المللی، توجه شده است، مخالف این است که ضمانت اجرا تعلیق و فسخ قرارداد را در عرض هم بپذیریم. بنابراین، بهتر است به منظور رعایت این اصول و توجه به استحکام معاملات این دو ضمانت اجرا در طول هم قرار بگیرند؛ به این دلیل که، عدم اجرای تعهدات خارج از اراده طرفین بوده است.

قوانین موقتی در باب اجاره در شرایط کرونایی

همان‌طور که اشاره شد، شیوع بیماری کرونا در اکثر کشورها سبب ایجاد وضعیت اضطراری و تعطیلی فعالیت‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی-آموزشی شد. با تعطیلی اغلب مشاغل و کسب‌وکارها، وضعیت خانوارهای و به‌تبع آن جوامع دچار رکود اقتصادی^۱ شد. دولت‌ها برای مقابله با این وضعیت و کاهش آثار منفی کرونا و همچنین جلوگیری از شیوع آن دست به اقداماتی زدند. از جمله این اقدامات وضع قوانین موقت در جهت حمایت از مردم بود که یکی از این قوانین به حوزه قراردادهای اجاره مربوط می‌شد. متعاقب با تعطیلی کامل برخی از مشاغل و کاهش ساعت کاری برخی دیگر و همچنین ممنوعیت‌های تردد، از آنجا که صاحبان بیشتر این مشاغل مستأجر یک رابطه استیجاری بودند، پس از تعطیلی مشاغل، از کسب درآمد پیش‌بینی‌شده

۱. سیر نزولی رشد اقتصادی که برای زمانی بیشتر از سه ماه ادامه یابد رکود اقتصادی نامیده می‌شود (برگرفته از مقاله «بررسی علل و ریشه‌های بحران اقتصادی ۲۰۰۸ آمریکا و ارائه راهکارها»، نوشته محمدجواد بختیارزاده، سال ۱۳۸۸، ص ۵۱).

خود محروم ماندند و به تبع آن در انجام دادن تعهد (پرداخت اجاره‌بها) دچار تعسر یا تعذر شدند. از دستورالعمل‌های کشورها در باب قراردادهای اجاره می‌توان اشاره کرد به:

استرالیا: دولت استرالیا در این خصوص دستورالعملی مستقل وضع نکرده است؛ بلکه در خصوص شرایط پیش‌آمده در قانون اجاره‌نامه مسکونی (۲۰۱۰) اصلاحاتی انجام داده است. این اصلاحات بیشتر حاوی مقررات محدودکننده برای صاحبان املاک است؛ بدین صورت که ضمن معرفی شخص متأثر از کرونا صاحبان املاک را از مواردی منع کرده است:

- منع مالک از صدور اخطار خاتمه قرارداد اجاره برای مستأجر متأثر از کرونا به دلیل نقض قرارداد یا عدم پرداخت اجاره‌بها یا سایر هزینه‌ها؛

- ثبت اطلاعات شخصی مستأجر متأثر در پایگاه داده‌های مستأجران به دلیل عدم پرداخت اجاره‌بها با سایر هزینه‌های خدمات ساختمان که در قرارداد اجاره مستلزم پرداخت بوده است. از طرف دیگر، برای حمایت از مالکان به آن‌ها، در قالب وام و غیره، تسهیلات اعطا می‌شود (فرنام و همکاران ۱۳۹۹: ۷ - ۸).

انگلیس: در انگلیس بر اساس دستورالعمل کروناویروس ۲۰۲۰ برای مالکان و مستأجران قراردادهای املاک مسکونی خصوصی و اجتماعی از تاریخ ۲۶ مارس مشمول مقررات زیر شد: - مالکان املاک مسکونی تا ۳۰ سپتامبر نمی‌توانند برای اخراج مستأجر از ملک اقدام کنند؛ مگر اینکه از سه ماه قبل به مستأجر اطلاع دهند. همچنین، در صورت گذشت سه ماه از تاریخ صدور اخطار نیز مالک نمی‌تواند مستأجر را بدون حکم دادگاه مجبور به تخلیه کند.

- مستأجران باید هزینه‌های اجاره‌بها را مطابق قرارداد اجاره پرداخت کنند و در صورت ناتوانی در پرداخت باید با مالک مذاکره کنند. به دلیل شرایط اضطراری مالکان باید با مستأجران همکاری کنند؛ از جمله توافق برای کاهش اجاره‌بها در ماه‌های اضطراری و دریافت معوقات در زمان دیگر (فرنام و همکاران ۱۳۹۹: ۱۰ - ۱۱).

آلمان: در آلمان در پی شیوع کروناویروس قانون کاهش آثار شیوع کرونا تصویب شد و در مواردی اجازه عدم اجرای تعهد در تعهدات مستمر به شرط اثبات انتساب اوضاع و احوال به شیوع کرونا داده شد. برای مثال در این قانون مقرر شد موجران مجاز به فسخ قرارداد اجاره به

سبب عدم پرداخت اجاره‌بها نیستند، در صورتی که عدم پرداخت اجاره‌بها در اثر شیوع بیماری کرونا باشد (خالدی و همکاران ۱۳۹۹: ۶۳).

ایران: در ایران نیز مصوباتی در خصوص تمدید اجباری قراردادهای اجاره وضع شد. اولین مصوبه تمدید اجباری دوماهه قراردادهای اجاره بدون افزایش اجاره‌بها بود. آخرین مصوبه (هفتاد و دومین مصوبه) در این خصوص حاوی تمدید خودکار یک‌ساله قراردادهای اجاره است. البته این مصوبه حداکثری برای افزایش اجاره‌بها یا مبلغ رهن نیز تعیین کرده است (فرنام و همکاران ۱۳۹۹: ۲۶).

همان‌طور که اشاره شد، تعدیل قرارداد در شرایطی مطرح می‌شود که انجام دادن تعهدات برای یکی از طرفین مشقت‌بار شده باشد. در مجموع مصوبات یادشده تلاش شارع برای برقراری تعدیل از طریق دادن مهلت به مستأجر برای انجام دادن تعهد پرداخت اجاره‌بها و کاهش اجاره‌بها (افریقای جنوبی) و تمدید اجاره با شرایط سابق دیده می‌شود.

نتیجه

بیماری‌های واگیردار می‌توانند عاملی برای ایجاد اختلال در اجرای قراردادها به‌خصوص قراردادهای مالی باشند. گاه این بیماری‌ها سبب تعذر دائمی یا موقتی اجرای تعهدات و گاه سبب تعسر اجرای قرارداد می‌شوند که ضمانت اجرای هر یک، حسب مورد انحلال قرارداد، تعلیق تعهدات قراردادی و تعدیل قرارداد است. گاهی نیز ممکن است بر اثر شیوع این بیماری‌ها متعهدله به این نتیجه برسد که قرارداد در آینده دچار نقض احتمالی می‌شود که ضمانت اجرای آن می‌تواند فسخ یا تعلیق تعهدات قراردادی از طرف متعهدله باشد. در خصوص کروناویروس، به نظر می‌رسد این بیماری و اقدامات دولت به تبع آن برای مقابله با آن می‌تواند در برخی از قراردادها سبب تعسر و در برخی سبب تعذر شود. نتیجه حاصل‌شده این است که شرایط به‌وجودآمده در اثر کرونا سبب تعذر موقت قرارداد است. بنابراین، طرفین باید تعهدات خود را برای مدتی متعارف به حالت تعلیق درآورند و بعد از زمان متعارف اگر همچنان اجرا ممکن نباشد می‌توانند با استناد به خیار تعذر تسلیم آن قرارداد را فسخ کنند. البته همه این بحث‌ها درباره قراردادهایی است که زمان انعقاد آن‌ها قبل از شیوع بیماری باشد و تعهدات حاصل از آن‌ها نیز مقید به زمان نباشد. بیشترین تأثیر

شرایط کرونایی بر اقتصاد جوامع بوده است. به همین سبب، تغییرات شرایط اقتصادی به تبع شیوع این بیماری در برخی از قراردادها سبب تعذر اجرای تعهدات شده است که این موارد مذاکره مجدد را در جهت تعدیل قرارداد و حفظ آن می‌طلبد. همچنین، ممکن است این شرایط متعهدله قراردادی را به این نتیجه رسانده باشد که قرارداد در آینده نقض خواهد شد. بنابراین، بر اساس قاعده مقابله با ضرر، متعهدله باید تعهدات خود را، حتی اگر موعد اجرای آن‌ها فرارسیده باشد، به حالت تعلیق درآورد.

توجه به اصول حاکم بر قرارداد به‌ویژه اصل ابقای قرارداد و اصل حسن‌نیت سبب می‌شود با شرایطی که سبب خاتمه قرارداد قبل از اجرا می‌شود محتاط‌تر برخورد کنیم. به همین سبب، در تعذر اجرای قرارداد باید زمانی حکم به انحلال عقد دهیم که تعذر اجرا دائمی باشد و اگر تعذر موقت باشد دو ضمانت اجرای تعلیق و فسخ را به ترتیب در طول هم بپذیریم. این چیزی است که منطبق با خواست طرفین است. زیرا طرفین از ابتدا به قصد اجرای تعهدات قرارداد منعقد کرده‌اند. حال، اگر به خاطر شرایطی خارج از اراده اجرای تعهدات، آن‌هم تعهداتی که مقید به زمان نیستند، دچار اشکال شده باشد، نباید رأی به انحلال قرارداد داد. همچنین در بررسی شرایطی که سبب تعذر دائمی اجرای قرارداد و در نهایت انحلال آن می‌شوند نباید با ساده‌انگاری رسیدگی کرد؛ بلکه این موارد باید با در نظر گرفتن شرایطی که مقنن مقرر کرده به صورت موردی توسط دادگاه بررسی شود.

همان‌طور که اشاره شد، ممکن است طرفین برای انعقاد یک قرارداد ماه‌ها و سال‌ها زمان و هزینه صرف کنند. از طرفی انعقاد یک قرارداد ممکن است با قراردادهای دیگر ارتباط و همبستگی کامل داشته باشد؛ به نحوی که با کوچک‌ترین اختلال در قرارداد مورد بحث در چندین قرارداد دیگر اختلال اساسی به وجود آید و آن‌ها را از دایره اجرا خارج کند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد بیشترین کاربرد اصل حسن‌نیت زمانی است که اجرا به سبب حوادثی خارج از اراده دچار اشکال شده باشد. در این شرایط، طرفین باید در اجرا همکاری کنند. به همین دلیل، توجه به اصول کلی حاکم بر اجرای قراردادها، به‌خصوص اصل ابقای قرارداد و اصل حسن‌نیت، باید سبب شود در مواردی که حفظ قرارداد عادلانه و معقول است از انحلال آن جلوگیری شود.

منابع

- اسکندریان، غلام‌رضا (۱۳۹۹). «ارزیابی پیامدهای ویروس کرونا بر سبک زندگی (با تأکید بر الگوی مصرف فرهنگی)»، *ارزیابی تأثیرات اجتماعی*، ش ۲، ویژه‌نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا- کووید ۱۹، صص ۶۵ - ۸۵.
- انصاری، علی؛ فرهاد بیات (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی نقض قابل پیش‌بینی قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و نظام‌های حقوق ملی»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۶۰، صص ۴۷۵ - ۵۰۶.
- بختیارزاده، محمدجواد (۱۳۸۸). «بررسی علل و ریشه‌های بحران اقتصادی ۲۰۰۸ آمریکا و ارائه راهکارها»، *بررسی‌های بازرگانی*، ش ۳۸، صص ۵۱ - ۵۸.
- براری چناری، یوسف؛ محمود جعفرچالشتی (۱۳۹۱). «مطالعه و بررسی تأثیر فورس ماژور (قوه قاهره) بر عقیم شدن قرارداد اجاره» *مجله کانون وکلای دادگستری مرکز*، صص ۱ - ۲۰.
- جوهری محمدی، حسین (۱۴۰۰). «امکان‌سنجی تطبیق قوه قاهره بر شرایط حاصل از شیوع کرونا با تأکید بر رویه قضایی»، *دادگستری*، د ۸۵، ش ۱۱۴، صص ۱۵۹ - ۱۹۱.
- حسنی‌پور فلاح، ملیحه (۱۳۹۴). «اصول حاکم بر ضمانت اجرا»، *اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی*، س ۹، ش ۱۷، صص ۱ - ۱۰.
- خالدی، پری؛ لایلا حکاک؛ کاوه مهرافشاری (۱۳۹۹). «بررسی تأثیر معاذیر عدم امکان و دشواری اجرای قرارداد در خصوص عقد اجاره با تأکید بر شیوع کرونا»، *مطالعات میان‌رشته‌ای فقه*، ش ۱، صص ۵۱ - ۷۰.
- دلاوری، امیر (۱۳۹۲). «بررسی مفهوم و مصادیق قراردادهای مستمر»، *برگرفته از فصلنامه وکیل مدافع- ارگان داخلی کانون وکلای دادگستری خراسان*، س ۳، ش ۸۹، صص ۶۵ - ۸۰.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *زبان‌شناسی- فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها* (فرهنگ دهخدا)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی، روح‌الله؛ ابراهیم عبدی‌پورفرد؛ اسماعیل نعمت‌اللهی (۱۳۹۸). «نقض عامدانه قرارداد و تأثیر آن بر جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد»، *پژوهش حقوق خصوصی*، س ۷، ش ۶۲، صص ۱۳۵ - ۱۶۱.
- رفیعی، محمدتقی؛ منصوره حسینی (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی ضمانت اجرای نقض قابل

- پیش‌بینی قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و حقوق ایران»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، د ۳، ش ۲، صص ۴۱ - ۶۴.
- زمانی، محمود؛ محمدتقی رفیعی (۱۳۹۵). «تحلیل اقتصادی حسن‌نیت در مرحله اجرای قرارداد»، *مجله حقوق خصوصی*، د ۱۳، ش ۱، صص ۱۳۷ - ۱۵۹.
- سالاری‌مقدم، نرگس؛ طاهره گشتاسبی؛ فرزانه رضانی (۱۳۹۹). «بیماری‌های واگیردار را بیشتر بشناسیم»، *نشریه الکترونیکی سیب*؛ <https://ejournal.sums.ac.ir>
- شعاریان، ابراهیم؛ فرشاد رحیمی (۱۳۹۳). *حقوق بیع بین‌المللی* (شرح کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در پرتو دکترین و رویه قضایی)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- شعبانی جهرمی، فریده (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی اصل حفظ و بقای قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، DCFR, PECL, UPICC»، *کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، و مطالعات حقوقی و اجتماعی*.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۶). *حقوق قراردادهای (انعقاد، آثار، انحلال)*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۹۹). «تحلیل اثرات کرونا بر سبک زندگی»، *اعتماد*، ش ۴۶۵۳، خرداد.
- صفایی، سید حسین و کاظمی، محمود، عادل، مرتضی، میرزائزاد، اکبر (۱۳۹۲). *حقوق بیع بین‌المللی* (بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰، با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلیس، و ایالات متحده آمریکا)، چ ۴، انتشارات دانشگاه تهران.
- صفایی، سید حسین؛ جعفر عسگری (۱۳۹۴). «ماهیت و مبانی نظریه نقض قابل پیش‌بینی در فقه و حقوق ایران»، *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ش ۷۰، صص ۸۳ - ۱۰۱.
- عباسی، جواد (۱۳۹۹). «تاریخ‌سازی بیماری‌های همه‌گیر»، *دنیای اقتصاد*، شماره خبر ۳۶۵۲۷۳۲، اردیبهشت.
- عمید، حسن (۱۳۶۳). *فرهنگ عمید*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- غمامی، مجید؛ حسین خدادادی (۱۳۹۴). «دشوار شدن اجرای قرارداد و اثر آن»، *مطالعات حقوق خصوصی*، د ۴۵، ش ۴، صص ۹۲۳ - ۶۴۲.
- فرنام، علی؛ سارا حمیدپور؛ حمیدرضا صباغی؛ محمدرضا عبدلی (۱۳۹۹). *دریاره مقابله با شیوع کرونا*

- (۴۸) اثرات شیوع ویروس کرونا بر سیاست‌های حمایتی از مستأجران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی (دفتر مطالعات زیربنایی)).
- فیض‌اللهی، حامد (۱۳۹۷). «دشواری‌های اجرای قرارداد و اثر آن»، کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت و حسابداری مطالعات حقوقی و اجتماعی، صص ۱ - ۱۰.
- قزلباش چمک، مسلم (۱۳۹۱). «تأثیر شرایط دشواری بر اجرای قرارداد در حقوق ایران و فقه امامیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- قنواتی، جلیل (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی کروناویروس (کووید ۱۹) بر تعهدات»، حقوق اسلامی، س ۱۷، ش ۶۴، صص ۱ - ۴۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). حقوق مدنی نظریه عمومی تعهدات، تهران، دادگستر.
- نیازآبادی، مهدی؛ نرگس انصاری (۱۳۹۹). «تحلیل وضعیت ناشی از شیوع ویروس کرونا ذیل معاذیر موجه عدم اجرای تعهدات قراردادی»، تحقیقات حقوقی (ویژه‌نامه حقوق و کرونا)، د ۲۳، ش ۸۹، صص ۴۵۹ - ۴۸۷.
- وکیل‌زاده، رحیم؛ رضا رنجبر؛ مجید عباسی (۱۳۹۱). «تأثیر انتفای مبنای خیار در حق فسخ (مطالعه تطبیقی در اسناد مهم بین‌المللی و نظام فقهی و حقوقی ایران)»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، س ۹، ش ۳۰، صص ۱۵۹ - ۱۸۲.

References

- Abbasi, J. (2016). "Historiography of Epidemic Diseases", *Donya-e-Eqtasad*, News Issue 3652732, May. (in Persian)
- Amid, H. (1984). *Farhang Amid*, Tehran, University of Tehran Press. (in Persian)
- Ansari, A & Bayat, F. (2012). "A Comparative Study of Predictable Violations of the Convention in the Convention on the International Sale of Goods and Systems of National Law", *Legal Research*, No. 60, pp. 475-506. (in Persian)
- Bakhtiarzadeh, M. J. (2009). "Investigating the Causes and Roots of the 2008 US Economic Crisis and Presenting Solutions", *Journal of Business Studies*, No. 38, pp. 51-58. (in Persian)
- Barari Chenari, Y. & Jafari chaleshtori M. (2012). Study and study of the effect of force majeure (Cairo power) on sterilization of lease agreement, pp. 1-20. (in Persian)
- Dekhoda, A. (1998). *Linguistics-Cultures and Dictionaries* (Dekhoda Culture), Tehran, University of Tehran Press.
- Delavari, A. (2013). "A Review of Existing and Examples of Continuous Contracts", *Taken from the Quarterly Journal of Defense Lawyer - Internal Organ of the Khorasan Bar*

- Association, Third Year, No. 8 & 9, pp. 65-80. (in Persian)
- Eskandarian, Gh. (2020). "Evaluation of the consequences of coronavirus on lifestyle (with emphasis on cultural consumption pattern)", *Journal of Social Impact Assessment*, Issue 2, Special Issue of Consequences of Corona-Covid Virus Outbreak 19, pp. 65-85. (in Persian)
- Farnam, A., Hamidpour, S., Sabbaghi, H. R., & Abdoli, M. R. (2020). *On Coping With Coronavirus Outbreak* (48) The Effects Of Coronavirus Outbreak On Tenant Protection Policies, Islamic Consultative Assembly Research Center Production Affairs (Office of Infrastructure Studies), pp. 1-31. (in Persian)
- FeyzElahi, H. (2019). "The Difficulty of Contract Execution and Its Effect", National Conference on New and Creative Thoughts in Management and Accounting, Legal and Social Studies, pp. 1-10. (in Persian)
- Ghamami, M. & Khodadadi, H. (2015). "The difficulty of contract implementation and its effect", *Quarterly Journal of Private Law Studies*, 45(4), pp. 623-642. (in Persian)
- Ghezlbash Chamak, M. (2012). "The Impact of Difficult Conditions on Contract Execution in Iranian Law and Imami Jurisprudence", M.Sc., Shahd Bahonar University of Kerman. (in Persian)
- Hassanipour Fallah, M. (2017). "Principles governing performance guarantee", First National Conference of Islamic Humanities, Qom, Year 9, No. 17, pp. 1-10. (in Persian)
- Javaheri Mohammadi, H. (2013). "Feasibility Study of the Application of the Cairo Force to the Conditions Arising from the Corona Outbreak with Emphasis on Judicial Procedure", *Journal of Justice*, 85(114), pp. 159-192. (in Persian)
- Katozian, N. (2000). *Civil Law General Theory of Obligations*, Tehran, Justice Publishing. (in Persian)
- Keller, R. (2008). *Favor Contractus Reading the CISG in Favor of the contract*, Simmons & Hill Publishing, pp. 247-266.
- Khaledi, P., Hakak, L., & Mehrafshari, K. (2016). "Investigating the Impact of Exemptions on the Impossibility and Difficulty of Executing a Lease Agreement with Emphasis on the Prevalence of Corona", *Quarterly Journal of Interdisciplinary Jurisprudence Studies*, No. 1, pp. 51-70. (in Persian)
- Niazabadi, M. & Ansari, N. (2020). "Analysis Of The Situation Caused By The Outbreak Of Coronavirus Under Justified Excuses For Non-Fulfillment Of Contractual Obligations", *Journal of Legal Research (Law and Corona Visa)*, 23(89), pp. 487-459. (in Persian)
- Qanavati, J. (2020). "A Comparative Study of Corona Virus (Covid 19) on Obligations", *Islamic Law*, Year 17, No. 64, pp. 1-46. (in Persian)
- Rafiei, M.T. & Hosseini, M. (2012). "A Comparative Study of Enforcement Guarantees of Predictable Violations of the Convention in the Convention on International Trade in Goods, Principles of International Trade Contracts and Iranian Law", *Journal of Comparative Law Studies*, 3(2), pp. 41-64. (in Persian)
- Rezaei, R., Abdipour-Fard, E., & Nematollahi, I. (2019). "Intentional breach of contract and its effect on compensation for breach of contract", *Quarterly Journal of Private Law Research*, Year 7, No. 62, pp. 135-161. (in Persian)
- Rosett, A. (1998). "Critical reflections on the United Nations convention on contracts for

- the international sale of goods”, *State Law Journal*.
- Safaei, H. & Asgari, J. (2015). “The Nature and Principles of Predictable Violation Theory in Iranian Jurisprudence and Law”, *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*, No. 70, pp. 83-101. (in Persian)
- Safaei, H. (2013). *International Sale Law* (Review of the 1980 International Sale Convention, with a Comparative Study of the Laws of Iran, Britain and the United States), Fourth Edition, University of Tehran Press. (in Persian)
- Salari-Moghadam, N., Goshtasbi, T., & Ramezani, F. (2020). “Learn more about infectious diseases”, *Apple Electronic Journal*; <https://ejournal.sums.ac.ir>. (in Persian)
- Salehi-Amiri, R. (2016). “Analysis of Corona Effects on Longevity”, *Etemad*, No. 4653, June. (in Persian)
- Shaarian, E. & Rahimi, F. (2014). *International Sale Law* (Description of the International Convention on the Sale of Goods in the Light of Doctrine and Judicial Procedure), Shahr-e-Danesh Institute for Legal Studies and Research. (in Persian)
- Shabani Jahromi, F. (2018). “A Comparative Study of the Principle of Contract Preservation in the International Convention on the Sale of Goods, UPICC, PECL, DCFR”, National Conference on New and Creative Thoughts in Management, Accounting and Legal and Social Studies. (in Persian)
- Shirvi, A. (2017). *Contract Law* (Conclusion, Works, Dissolution), Tehran, Organization for the Study and Compilation of Humanities Books and Universities (Samat), Research Code of Humanities Research and Development. (in Persian)
- Vakilzadeh, R., Ranjbar, R., & Abbasi, M. (2012). “The effect of cancellation of the option of cucumber on the right to terminate the comparative study in important international documents and the jurisprudential and legal system of Iran”, *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, Year 9, No. 30, pp. 159-182. (in Persian)
- Zamani, M. & Rafiei, M.T. (2016). “Economic Analysis of Goodwill in the Contract Execution Stage”, *Journal of Private Law*, 13(1), pp. 137-159. (in Persian)